

انتصابات و اختلافات در جمهوری اسلامی و بحران اقتصادی ایران!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

ایران امروز در یکی از پیچیده‌ترین و بحرانی‌ترین مقاطع تاریخ جمهوری اسلامی قرار گرفته است. بحران کنونی را نمی‌توان فقط با واژه‌هایی مانند «بحران اقتصادی»، «بحران سیاسی» یا «تنش خارجی» توضیح داد. آن چه در برابر جامعه ایران قرار دارد، حاصل هم‌زمانی چند بحران درهم‌تنیده است: بحران مشروعیت سیاسی، اختلاف درون ساختار قدرت، وضعیت مبهم و فرسایشی «نه جنگ و نه صلح»، تحریم و فشار خارجی، تورم افسارگسیخته، سقوط ارزش پول ملی، کاهش قدرت خرید، گسترش فقر و فرسایش طبقه متوسط.

گزارش‌ها و تحلیل‌های اخیر نشان می‌دهند که حتی در درون حاکمیت درباره چگونگی برخورد با وضعیت خارجی اختلاف وجود دارد. رهبران جمهوری اسلامی در موضع رسمی می‌کوشند نوعی وحدت نشان دهند و بقای حکومت را تضمین کنند، اما درباره هدف نهایی تقابل، مذاکره و نحوه خروج از بحران اختلافات جدی وجود دارد.

اختلاف موافقان و مخالفان مذاکره با آمریکا و یا تقسیم قدرت، هر روز بیش‌تر و جنجالی‌تر می‌شود. در یک طرف کسانی سعی می‌کنند با دلایلی وضع فعلی را که ایران با «جازه» رهبری در حال مذاکره است، تبیین و در درستی آن استدلال کنند. در طرف مقابل کسانی هستند که این دیدگاه‌ها را تبیین نمی‌دانند و می‌گویند بیش‌تر توجیه است

به گفته برخی تحلیل‌گران، جمهوری اسلامی وارد دوران مبارزه برای بقای خود شده تا از فروپاشی درونی جلوگیری کند و در عین حال کنترل جامعه را هم از دست ندهد. اکنون باز هم چالش مهم پیش روی جمهوری اسلامی، احتمال شورش‌های خیابانی مردم است.

در چنین شرایطی، مسئله اساسی این است که آیا جمهوری اسلامی قادر خواهد بود میان «دامه تقابل» و «پذیرش یک توافق سیاسی» تعادل ایجاد کند، بدون آن که هر دو گزینه هزینه سنگینی برای ساختار قدرت داشته باشد؟

از سوی دیگر، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در شبکه اجتماعی خود، تروث‌سوشال، بار دیگر تاکید کرد که «آمریکا کنترل کامل تنگه هرمز را در دست دارد» و افزود: «فکر می‌کنم آن را حفظ خواهیم کرد!»

او اضافه کرده است: «محاصره دریایی ما را همه «دیوار فولادین» می‌نامند و ایران هیچ کاری از دستش برنمی‌آید. آن‌ها نیروی دریایی ندارند، نیروی هوایی ندارند، سربازان باقی‌مانده‌شان حقوق نمی‌گیرند، سپاه پاسداران درهم‌کوبیده شده و در حال فرار است و وضعیت «رهبری» آن‌ها، در بهترین حالت، نامشخص است!»

ترامپ بار دیگر تکرار کرد که «آن‌ها پولی ندارند؛ کشورشان «ویران» شده است. تمام چیزی که دارند اخبار جعلی و ۳۰۰ درصد تورم است که روبه‌روز هم بدتر می‌شود! ایران فقط حرف می‌زند و هیچ اقدامی نمی‌کند؛ دیگر آن قلدر خاورمیانه نیست.»

محسن رضایی، دبیر جدید شورای عالی امنیت ملی ایران با متهم کردن آمریکا به ایجاد ناامنی در خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان تهدید کرد، تا زمانی که این کشور رفتار خود را تغییر ندهد و شروط ایران را نپذیرد، جمهوری اسلامی اقدام به بازگشایی تنگه هرمز نخواهد کرد.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، رضایی سه‌شنبه ۲۰ مرداد همچنین مدعی شد که آمریکا «با تحمیل جنگ غیرقانونی به ایران، کل منطقه را به خطر انداخته است». رضایی گفت: «آمریکا باید جنگ را پایان دهد، پول‌های مسدود شده ایران را بپردازد و در کل منطقه، از جمله لبنان و غزه جنگ باید پایان یابد.»



انتصابات جدید شش فرمانده ارشد

مجتبی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، با صدور احکامی جداگانه شش فرمانده ارشد را در رأس ستاد کل نیروهای مسلح، سپاه پاسداران، نیروی دریایی سپاه و سازمان بسیج منصوب کرد؛ اقدامی که از گسترده‌ترین تغییرات فرماندهی نظامی ایران در ماه‌های اخیر به شمار می‌رود.

بر اساس گزارش ایرنا، علی عبداللهی، فرمانده پیشین قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و کیومرث حیدری، فرمانده پیشین نیروی زمینی ارتش، جانشین او شد. این ترکیب، یک فرمانده سپاهی را در رأس ستاد کل قرار می‌دهد و یک فرمانده ارتشی را به مقام جانشینی می‌رساند.

احمد وحیدی نیز با دریافت درجه سرلشکری رسماً به فرماندهی کل سپاه منصوب و مصطفی ایزدی جانشین او شد. وحیدی از اسفند گذشته و پس از کشته شدن محمد پاکپور در حملات آمریکا و اسرائیل، به‌عنوان فرمانده سپاه معرفی شده بود، اما حکم رسمی منتسب به رهبر جدید جمهوری اسلامی منتشر نشده بود. او پیش‌تر فرمانده نیروی قدس، وزیر دفاع و وزیر کشور بوده و از متهمان پرونده انفجار مرکز یهودیان آمیا در آرژانتین است.

در دو انتصاب دیگر، علی عظمایی که پس از کشته شدن علیرضا تنگسیری عملاً فرماندهی نیروی دریایی سپاه را بر عهده گرفته بود، رسماً به این مقام منصوب شد و حسین طائب، رییس پیشین سازمان اطلاعات سپاه، به ریاست سازمان بسیج مستضعفین بازگشت. طائب پیش‌تر نیز فرمانده بسیج بود و نام او با سرکوب اعتراضات سال ۱۳۸۸ و بیش از یک دهه ریاست بر سازمان اطلاعات سپاه گره خورده است.

این احکام یک روز پس از انتصاب محسن رضایی به دبیری شورای عالی امنیت ملی صادر شده‌اند. مجموعه این تغییرات، در بحبوحه جنگ، بحران تنگه هرمز و توقف مذاکرات با آمریکا، نشانه‌ای از تمرکز بیشتر مدیریت نظامی و امنیتی در دست فرماندهان باسابقه سپاه و نزدیکان رهبر جدید جمهوری اسلامی ارزیابی می‌شود.

دیدارهای مسعود پزشکیان با رهبر

اما این دومین بار است که مسعود پزشکیان ادعا می‌کند که با رهبر دیدار کرده است. اکنون او ادعا دارد که در دیدار اخیرش با رهبر جمهوری اسلامی، با او حدود هفت ساعت درباره مسائل روز کشور گفت‌وگو کرده است.

پزشکیان به صداوسیما گفت که «وضعیت معیشت مردم، اشتغال، مسکن، تحریم‌ها، نحوه ایستادگی دولت و مردم، و حفظ وحدت و انسجام» از مهم‌ترین موضوعات این دیدار بوده است.

پزشکیان هم‌چنین گفت که رهبر جمهوری اسلامی در این دیدار بر «حفظ وحدت و انسجام» تاکید کرده و هشدار داده است که «تمام برنامه دشمن بر ایجاد اختلاف و تفرقه» متمرکز است. او هم‌چنین گفت: «ایشان از لحاظ جسمی در صحت و سلامت کامل بودند».

خبر این ملاقات را ابتدا وب‌سایت رسمی رهبر جمهوری اسلامی منتشر کرد.

صدا یا تصویری از مجتبی خامنه‌ای مربوط به دوران رهبریش منتشر نشده و جز پزشکیان مقام رسمی دیگری از دیدار حضوری با او حرف نزده است. پزشکیان نخستین بار ۱۶ اردیبهشت گفت که با مجتبی خامنه‌ای یک ملاقات دو ساعت و نیمه داشته است.

اختلافات در جمهوری اسلامی ریشه‌دار و تاریخی است؛ ادعای جدید محمدباقر خرازی

محمدباقر خرازی، روحانی شیعه ۶۵ ساله و دبیر کل تشکل «حزب‌الله ایران»، در روزهای اخیر چنان گوی سبقت را از سایر چهره‌های تندروی جمهوری اسلامی ربود که نهایتاً از سوی دادگاه ویژه روحانیت تحت تعقیب قرار گرفت.

باقر خرازی فرزند محسن خرازی و برادر صادق خرازی است. محسن خرازی مدرس حوزه علمیه قم و عضو پیشین مجلس خبرگان رهبری است، صادق خرازی هم در دولت هاشمی رفسنجانی به مدت شش سال نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل متحد بر عهده داشت و در دولت دوم محمد خاتمی هم به مدت چهار سال سفیر ایران در فرانسه بود.

کمال خرازی نیز که در دولت خاتمی وزیر خارجه و پس از آن مشاور بین‌الملل علی خامنه‌ای بود، عموی باقر و صادق خرازی بوده. علاوه بر این، خواهر باقر خرازی همسر مسعود خامنه‌ای، برادر کوچک‌تر مجتبی خامنه‌ای است. مجموع این روابط، نشان‌دهنده پیوندهای خانوادگی عمیق باقر خرازی با کانون‌های قدرت در نظام جمهوری اسلامی است و احتمالاً همین پیوندها علت اصلی آزادی بیان کم‌نظیر او در یک نظام سیاسی غیردموکراتیک است.

او سپس از ضرورت «تضریب» و کشتن زنان بی‌حجاب سخن گفت. او درباره زنی که حجاب را رعایت نمی‌کند، گفت: «حکمش تضریب است و بعدش هم اگر (بر بی‌حجابی) اصرار داشت، حکمش قتل است».

او هم‌چنین درباره مبارزه با بی‌حجابی و انتقاد از دولت پزشکیان گفت: «فرض کن ما یک جمعیت پنجاه‌هزار نفری را در تهران راه انداختیم و این‌ها در خیابان‌ها شروع کردند به حرکت کردن و به هر بی‌حجابی که رسیدند، با تندی با او برخورد کردند» (بی‌حجابی) تمام می‌شود دیگر. وقتی که شما با پنجاه‌هزار نفر وارد عمل شدید، دولت دیگر جرات نمی‌کند چون می‌داند نفر بعدی خودش است. همین بچه‌های حزب‌اللهی که در خیابان هستند، می‌ریزند توی ارگان‌ها و نهادها، همه مکان‌ها را می‌گیرند. (دولت) چه کار می‌خواهد بکند؟ دولت فعلی، دولت شیطان‌ی است... این‌ها مزدور آمریکا و مزدور شیطانند. موقعش برسد، می‌گویم و

پدر این‌ها را هم درمی‌آورم؛ متنها زمانی که ما در حزب‌الله حداقل پانصد هزار نفر نیرو داشته باشیم؛ نیروی فداکار که وقتی ما از او بخواهیم حرکت کند به سمت تهران، حرکت کند. نداریم چنین آدمی را. ما نیاز داریم که بچه‌های حزب‌اللهی هر چه سریع‌تر به تشکیلات حزب‌الله متصل شوند... اسلام است و همین ضربه خوردن‌ها و ضربه زدن‌ها. تخریب است؛ بزنندشان. اگر کسی هم مقاومت کرد، بکشندش. فتوای من این است.»

خرازی پیش‌تر هم با اظهاراتش درباره استعفای مسعود پزشکیان خبرساز شده بود. او مدعی شده بود که مجتبی خامنه‌ای در واکنش به «۲۷ یا ۲۸» بار استعفا یا تهدید به کناره‌گیری مسعود پزشکیان، نوشته است که اگر رئیس‌جمهور یک بار دیگر استعفا کند، با آن موافقت خواهد کرد.

دفتر رئیس‌جمهور ایران این اظهارات را «واهی و کذب محض» خواند و دفتر رهبر جمهوری اسلامی نیز نقل‌قول منتسب به مجتبی خامنه‌ای را تکذیب کرد.

قوه قضاییه ایران روز شنبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۵، اعلام کرد که محمداقرا خرازی به «دلایل متعدد امنیتی» به دادگاه ویژه روحانیت احضار شده و تحت تعقیب قرار گرفته است

قوه قضاییه خواستار توضیح عراقچی در مورد ادعایش شد

قوه قضاییه ایران در واکنش به اظهارات اخیر عباس عراقچی، وزیر خارجه، مبنی بر احتمال وجود «حفره امنیتی» در کشور، از او در این مورد توضیح خواست.

اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضاییه ایران، این درخواست را در مصاحبه‌ای با سایت «دیده‌بان ایران» مطرح کرد.

حدود سه هفته پیش، عباس عراقچی در مصاحبه‌ای گفته بود که «بمباران بیت رهبری» و کشته شدن آیت‌الله علی خامنه‌ای و شماری از فرماندهان نظامی و سیاسی ایران احتمالا «از طریق حفره امنیتی» صورت گرفته که از تمام جلسات روز نخست جنگ ۴۰ روزه آگاه بوده است.

جهانگیر در پاسخ به سؤالی درباره این ادعا گفت: «اول باید از ایشان پرسید که از کجا می‌دانند و اگر اطلاعاتی در این زمینه دارند، لازم است آن را در اختیار مراجع اطلاعاتی، امنیتی و قضایی قرار دهند. هر فردی، اعم از صاحب‌منصب یا شهروند عادی، اطلاعاتی دارد، باید آن را در اختیار قوه قضاییه قرار دهد و وظیفه قوه قضاییه هم پیگیری آن است.»

سخنگوی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران، در پاسخ به این سؤال که آیا دادستانی به‌عنوان مدعی‌العموم وارد این بحث خواهد شد یا خیر، پاسخ داد: «دادستانی هم باید به وظایف خود عمل کند. قطعاً اگر فردی اظهاراتی مطرح کند که نیازمند بررسی و پیگیری قضایی باشد، دادستانی هم مطابق وظایف قانونی خود اقدامات لازم را انجام می‌دهد.»

اقامتگاه و دفتر کار علی خامنه‌ای، رهبر سابق جمهوری اسلامی ایران، در روز نهم اسفند ماه سال گذشته، هدف حملات آمریکا و اسرائیل قرار گرفت. در این حملات خامنه‌ای و تعدادی از اعضای خانواده او کشته شدند.

به گفته عراقچی، در آن روز، در اتفاقی غیرمعمول، در بیت رهبری جلسه‌ای با حضور علی شمخانی و جمعی از فرماندهان نظامی برگزار شده بود، که همه حاضران در آن جلسه هم کشته شدند. عراقچی: اطلاع داشتن از جلسه‌های سران، یک حفره امنیتی است که احتمالا هنوز وجود دارد.

تورم؛ تبدیل بحران اقتصادی به بحران اجتماعی

شاید مهم‌ترین نشانه بحران امروز ایران را بتوان در سفره مردم مشاهده کرد. تورم دیگر فقط یک شاخص اقتصادی نیست. تورم به تجربه روزانه میلیون‌ها ایرانی تبدیل شده است. بر اساس داده‌های منتشرشده، نرخ تورم ایران در ژوئیه ۲۰۲۶ حدود ۸۷٫۹ درصد گزارش شده است.

این رقم به‌تنهایی نشان می‌دهد که اقتصاد ایران در شرایطی بسیار متفاوت از یک اقتصاد عادی قرار دارد. اما وضعیت مواد غذایی حتی نگران‌کننده‌تر است. بر اساس گزارشی که بر مبنای داده‌های مرکز آمار ایران منتشر شده، تورم مواد غذایی در ماه تیر به حدود ۱۲۸ درصد رسیده است.

یعنی بحران دیگر فقط مربوط به کاهش ارزش پول یا افزایش قیمت مسکن و خودرو نیست. بحران مستقیماً به نان، برنج، گوشت، لبنیات، میوه، دارو و سایر نیازهای ضروری زندگی رسیده است.

در چنین شرایطی، خانوارهای کم‌درآمد ناچارند از کیفیت و مقدار مصرف خود بکاهند. طبقه متوسط نیز به تدریج به سمت پایین رانده می‌شود. و طبقات فقیر، بیش از پیش در معرض ناامنی غذایی و اجتماعی قرار می‌گیرند.

فقر فقط مسئله درآمد نیست

فقر در ایران امروز را نباید فقط با میزان درآمد خانوار سنجید. فقر یعنی: کاهش مصرف مواد غذایی؛ کاهش دسترسی به درمان؛ ناتوانی در پرداخت اجاره؛ ترک تحصیل یا کاهش کیفیت آموزش؛ افزایش کار کودکان؛ افزایش اشتغال غیررسمی؛ کاهش امکان ازدواج؛ کاهش فرزندآوری از سر اجبار اقتصادی؛ و از دست رفتن امید به آینده. بنابراین، وقتی گفته می‌شود فقر افزایش یافته است، در واقع باید از فرسایش کیفیت زندگی سخن گفت.

این فرسایش تدریجی ممکن است حتی خطرناک‌تر از یک بحران ناگهانی باشد. زیرا جامعه را به‌تدریج خسته، ناامید و بی‌اعتماد می‌کند.

تحریم تنها علت بحران نیست

تحریم‌ها بدون تردید فشار سنگینی بر اقتصاد ایران وارد کرده‌اند. اما توضیح تمام مشکلات ایران با تحریم، از نظر اقتصادی و سیاسی کافی نیست. اقتصاد ایران با مشکلات ساختاری عمیقی نیز روبه‌روست:

فساد گسترده؛ اقتصاد رانتی؛ انحصارهای حکومتی؛ ناترازی بودجه؛ ضعف سرمایه‌گذاری؛ فرار سرمایه؛ کاهش بهره‌وری؛ بحران انرژی؛ بحران آب؛ و تصمیم‌های اقتصادی کوتاه‌مدت. بنابراین، حتی اگر بخشی از تحریم‌ها فردا لغو شوند، مشکلات ساختاری اقتصاد ایران یک‌شبه حل نخواهند شد. در واقع، تحریم مانند یک عامل تشدیدکننده عمل می‌کند، اما تمام بیماری اقتصاد ایران نیست.

بحران انرژی و زیرساخت

اقتصاد ایران تنها با تورم و تحریم روبه‌رو نیست. بحران انرژی نیز به مرحله مهمی رسیده است. خاموشی‌ها، کمبود گاز، فرسودگی شبکه برق، کمبود سرمایه‌گذاری و بحران آب، همگی به کاهش ظرفیت تولید کشور کمک می‌کنند.

این مسئله یک دور باطل ایجاد می‌کند: کمبود سرمایه‌گذاری؛ فرسودگی زیرساخت؛ کاهش تولید؛ کاهش درآمد؛ افزایش کسری بودجه؛ تورم؛ کاهش سرمایه‌گذاری و... در چنین شرایطی، اقتصاد به جای حرکت به سمت رشد پایدار، وارد چرخه فرسایش می‌شود.

«نه جنگ و نه صلح» به نفع چه کسی است؟

ادامه وضعیت مبهم می‌تواند برای برخی بخش‌های قدرت مزایایی داشته باشد. در شرایط بحران خارجی، حکومت می‌تواند فضای امنیتی را افزایش دهد. مخالفان را با استناد به «تهدید خارجی» محدود کند. افکار عمومی را حول مسئله امنیت ملی بسیج کند. و مشکلات اقتصادی را تا حدی به دشمن خارجی نسبت دهد. اما این سیاست در بلندمدت هزینه بسیار سنگینی دارد. زیرا جامعه نمی‌تواند برای همیشه با وضعیت اضطراری زندگی کند. مردم نیازمند امنیت اقتصادی، ثبات قیمت‌ها، شغل، مسکن و آینده‌ای قابل پیش‌بینی هستند. با توجه به اطلاعات تازه تا ۱۲ اوت ۲۰۲۶، احتمالاً آینده شهروندان ایران بیش‌تر «پرتنش و فرسایشی» خواهد شد. تا یک فروپاشی ناگهانی یا بازگشت سریع به ثبات.

چند شاخص مهم این ارزیابی را تقویت می‌کنند: صندوق بین‌المللی پول برای سال ۲۰۲۶ انقباض حدود ۵/۴ درصدی تولید ناخالص داخلی و تورم مصرف‌کننده حدود ۶۸/۹ درصد را پیش‌بینی کرده است؛ داده‌های تازه‌تر درباره قیمت مواد غذایی نیز از تورم غذایی حدود ۱۲۸ درصد در تیرماه خبر می‌دهند. هم‌زمان گزارش‌های اخیر از تبدیل اقتصاد ایران به نوعی «اقتصاد بقا» و افزایش فشار بر طبقه متوسط حکایت دارند.

جامعه ایران تا کجا می‌تواند این فشار را تحمل کند؟

این شاید مهم‌ترین پرسش آینده جامعه ایران باشد. هیچ جامعه‌ای ظرفیت نامحدود برای تحمل فقر و ناامنی ندارد. اما فروپاشی اجتماعی نیز معمولاً یک‌باره اتفاق نمی‌افتد. ممکن است جامعه برای مدتی طولانی سکوت کند، خود را با شرایط تطبیق دهد و هزینه‌های زندگی را کاهش دهد. اما در نقطه‌ای، بحران اقتصادی می‌تواند با یک حادثه سیاسی، اجتماعی یا امنیتی پیوند بخورد. در آن صورت، اعتراض اقتصادی می‌تواند به اعتراض سیاسی تبدیل شود. تجربه اعتراضات سال‌های گذشته ایران نشان داده است که مطالبات اقتصادی و سیاسی به‌سادگی از یکدیگر جدا نمی‌شوند. خطر اصلی الزاماً یک حمله خارجی یا یک بحران سیاسی منفرد نیست. خطر اصلی می‌تواند هم‌زمانی بحران‌ها باشد. بحران اقتصادی؛ بحران مشروعیت؛ اختلاف درون قدرت؛ فشار خارجی؛ فقر؛ بیکاری؛ فرسایش طبقه متوسط و بی‌اعتمادی اجتماعی. هر کدام از این بحران‌ها به‌تنهایی ممکن است قابل مدیریت باشند. اما وقتی هم‌زمان شوند، ظرفیت حکومت برای مدیریت آن‌ها کاهش می‌یابد. به همین دلیل است که وضعیت کنونی را باید یک بحران مرکب دانست.

سه سناریوی محتمل

سناریوی نخست: ادامه فرسایش. در این حالت نه جنگ گسترده‌ای رخ می‌دهد و نه توافق پایداری حاصل می‌شود. تحریم‌ها ادامه پیدا می‌کنند. تورم بالا باقی می‌ماند. ارزش پول ملی کاهش پیدا می‌کند. و حکومت با ترکیبی از کنترل امنیتی و سیاست‌های اقتصادی کوتاه‌مدت وضعیت را مدیریت می‌کند. این سناریو می‌تواند برای جامعه بسیار فرساینده باشد.

سناریوی دوم: توافق و کاهش تنش. در این حالت جمهوری اسلامی به سمت توافقی با قدرتهای خارجی حرکت می‌کند. تحریم‌ها تا حدی کاهش می‌یابند. منابع ارزی آزاد می‌شوند. و امکان تنفس اقتصادی ایجاد می‌شود. اما حتی در این سناریو، اصلاح ساختاری اقتصاد ضروری خواهد بود.

سناریوی سوم: تشدید بحران. در این حالت مذاکرات شکست می‌خورد، تنش نظامی افزایش می‌یابد و بحران اقتصادی عمیق‌تر می‌شود. در چنین شرایطی ممکن است فشار اجتماعی افزایش یابد و اختلافات درون حکومت نیز شدیدتر شود. این سناریو از نظر اقتصادی و اجتماعی پرهزینه‌ترین گزینه است.

نقشه راه محسن رضایی در ریاست شورای عالی امنیت ملی

هم‌زمان با تشدید مواضع تهاجمی تهران در برابر ایالات متحده، ساختار حاکمیت ایران شاهد جابه‌جایی‌های کلیدی و انتصابات ارشد در بالاترین سطوح نظامی و سیاسی است. مسعود پزشکیان محسن رضایی ۷۱ ساله را به‌عنوان دبیر تازه شورای عالی امنیت ملی منصوب کرد؛ جایگزین محمدباقر ذوالقدر که پس از استعفا، مشاور سیاسی رهبری شد. ناظران انتصابات تازه در بدنه حاکمیت را نشانه‌ای از تثبیت هرچه بیشتر جناح تندرو در ساختار امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی، هم‌زمان با سخت‌تر شدن لحن تهران در قبال مذاکره با واشنگتن، ارزیابی می‌کنند.

محسن رضایی در اوایل دهه ۱۳۶۰ و در حالی که ایران با عراق می‌جنگید، فرمانده سپاه پاسداران شد. در همان زمان هم او از جمله رهبرانی بود که با پایان جنگ مخالفت می‌کرد و ترجیح می‌داد که به جای توافق و حل‌وفصل درگیری، ایران به جنگ ادامه دهد؛ حتی پس از آن که ایران زمین‌های تصرف‌شده توسط عراق را پس گرفته بود.

او در سال ۱۳۷۶، توسط رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب وقت، محمد خاتمی، از فرماندهی سپاه پاسداران برکنار شد. طبق اسناد دیپلماتیک آمریکا، او همچنین با جانشین خاتمی، محمود احمدی‌نژاد تندرو و جنجالی نیز دچار اختلاف شد و با سیاست‌های اقتصادی پوپولیستی و تحرکات تهاجمی او علیه غرب مخالفت کرد. حال پس از نزدیک به چهار دهه، محسن رضایی ۷۱ ساله به‌عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران منصوب شده است. این یعنی او در عمل بالاترین مقام امنیتی جمهوری اسلامی است و نقشی تعیین‌کننده در تعیین مسیر جنگ ایران و ایالات متحده آمریکا بر عهده دارد. هم‌زمان با انتصاب او، ادبیات ایران درباره مذاکره با آمریکا نیز سخت‌تر شده است.

«محسن رضایی» سال‌ها به‌عنوان مشاور نظامی و اقتصادی شناخته می‌شد، در یک‌سال گذشته به یکی از پرتکرارترین چهره‌های رسانه‌ای ایران در حوزه جنگ با آمریکا و اسرائیل بدل شده است. این حضور مستمر رسانه‌ای، روز یک‌شنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۵ به انتصاب او به‌عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی ختم شد. او از آغاز جنگ ۱۲ روزه، آمریکا را طرفی غیرقابل‌اعتماد و همواره بدعهد خواند و اعلام کرده ایران نه در حق غنی‌سازی و نه در موقعیتش در تنگه هرمز، کوچک‌ترین عقب‌نشینی نخواهد کرد؛ در عین حال که در سیاست داخلی از وحدت میان جناح‌ها سخن می‌گوید.

صدا و سیمای جمهوری اسلامی پس از انتصاب رضایی به ریاست شورای امنیت ملی (شعاع)، در فیلمی او را «مبارز انقلاب اسلامی» معرفی کرده و بخشی از سخنان او در زمان جنگ را پخش کرد که می‌گفت «کفار شما را راحت نخواهند گذاشت تا زمانی که بر دین‌تان استوار باشید». این ویدیو هم‌چنین بخشی از گفته‌های «غلام‌علی رشید» از فرماندهان سابق سپاه را نیز آورده است که او را «فرمانده بزرگ» نامیده بود که حتی فرماندهان باید کارها را «محسن» وار انجام دهند. در این گزارش کوتاه او هم مرد نظامی، هم مرد سازندگی و هم فردی برای سیاست معرفی شده است.

ما به آمریکا بی اعتمادیم!

رضایی در ۸ خرداد ۱۴۰۴ و پیش از آغاز جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل، در واکنش به سخنان «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا درباره برچیدن تاسیسات هسته‌ای ایران نوشته بود: «آنچه ترامپ درباره توافق با ایران برای برچیدن تاسیسات هسته‌ای می‌گوید، ترکیبی از توهم، بلوف، هذیان‌گویی و سردرگمی است.» او هم‌چنین افزوده بود: «تا زمانی که او و تیمش با یک بیمار روانی به‌نام نتانیاهو همراه هستند... از توهم برچیدن تاسیسات هسته‌ای ایران بیرون نمی‌آیند.» حالا او پس از گذشت یک سال و در مصاحبه با شبکه «روسیالیوم»، همین بی‌اعتمادی را با زبانی مشخص‌تر تکرار می‌کند: «مشکل ترامپ بی‌ثباتی و صحبت‌های ضد و نقیض است که باعث بی‌اعتمادی بیش از پیش ما به آمریکا شده است.» وی در آن مصاحبه که در ۱۸ خرداد انجام شد در پاسخ به این که آیا توافق نزدیک است، گفت: «من به توافق خوش‌بین نیستم زیرا ترامپ ثبات ندارد... و مرد مذاکره نیست.»

او در مصاحبه‌ای دیگر خطاب به مخالفان داخلی مذاکره می‌گوید: «تقاضا می‌کنم از دوستانی که مخالف مذاکرات هستند، صبر و حوصله کنند. خود آمریکایی‌ها این مذاکرات را از بین می‌برند و نمی‌گذارند که به نتیجه برسد.»

رضایی، سال ۹۵ زمانی که دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، گفته بود «مذاکره با آمریکا را قبول نداریم.» او توضیح داد این تعاملات نتیجه‌ای برای ایران نداشته‌است. در مقابل این ایده، او بین افزایش امنیت در کشور و افزایش بُرد موشک‌ها رابطه مستقیمی می‌بیند و می‌گوید: «هر چه بُرد موشک‌های ما بیش‌تر شود، احتمال جنگ کم‌تر می‌شود.»

اما امروز پس از گذشت ده سال و سه جنگ، او فهرستی از «نقض عهده‌های آمریکا» دارد. به ویژه بعد از امضای تفاهم‌نامه او می‌گوید: آمریکا «تحریر و هدایت کشتی‌ها برای عبور غیرقانونی... از تنگه هرمز» و سپس با «حمله نظامی به سواحل کشور، فرودگاه بندرعباس، جزیره قشم و تأسیسات آب‌شیرین‌کن»، بندهای توافقی را یکی پس از دیگری نقض کرد. او هم‌چنین گفت: «واشنگتن آزادسازی ۱۲ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران را به دریافت وام و خرید انحصاری کالا... از شرکت‌های آمریکایی مشروط کرد» و آمریکا از ارجاع پرونده به کمیته حل اختلاف با حضور پاکستان و قطر خودداری کرد، «چرا که در صورت بررسی، محکومیت مواضع واشنگتن قطعی بود.»

موضوع تنگه هرمز از جمله مواردی است که رضایی در مصاحبه‌های اخیرش بارها بر حفظ کنترل بر آن تاکید کرده است. رضایی توضیح می‌دهد: «تنگه هرمز تحت مدیریت ماست و به هیچ وجه از این موضع عقب‌نشینی نخواهیم کرد؛ تنگه هرمز برای تجارت آزاد و اما برای ناامنی و عبور نظامی بسته است.» او همچنین اعمال محاصره از سوی آمریکا را «خیانت به دموکراسی» خواند، در عین حال که می‌گفت این اقدام اعلان جنگ است. او حتی اخیراً و در ۱۶ مرداد نوشت: «اگر محاصره ادامه یابد، کشتی‌ها و نیروهای آمریکایی با خطرات و تلفات جدی روبه‌رو خواهند شد» و «ایالات متحده باید رفتار خود را تغییر دهد در غیر این صورت ما این وضعیت را تحمل نخواهیم کرد» و تصریح کرد: «ما هرگز اجازه باز شدن یک کریدور دوم در تنگه هرمز را نخواهیم داد.»

او در باره بستن تنگه هرمز توضیح می‌دهد که: «انسداد و کنترل تنگه هرمز توسط ایران با دو هدف حیاتی تأمین امنیت ملی و حفظ امنیت اقتصاد جهانی انجام می‌شود.» او درباره پیشنهاد مدیریت مشترک آمریکا بر این آبراه هشدار داد که پذیرش آن «به معنای تسلط واشنگتن بر گلوگاه انرژی جهان، تعیین دستوری قیمت نفت و آغاز جنگ جهانی سوم علیه قدرت‌هایی نظیر چین و روسیه خواهد بود.»

کارشناسانی مانند «محسن پاک‌آیین»، سفیر پیشین ایران در جمهوری آذربایجان، این راهبردی که رضایی معرفی می‌کند را در چارچوب رقابت جهانی آمریکا و چین تفسیر می‌کند. به گفته او، آمریکا «اهداف بلندمدتی در رابطه با این تنگه دارد» و می‌خواهد «مدیریت اینجا را از دست ایران خارج کند» تا در آینده رقابت خود با چین را محدودتر کند.

موضع رضایی درباره برنامه هسته‌ای در طول یک سال، دستخوش تغییر لحن شده است. در ۲۵ خرداد ۱۴۰۴، در پاسخ به پرسشی درباره ساخت بمب اتم، گفت: «ما همچنان پرهیز خواهیم کرد که واقعا به سراغ بمب اتم برویم... همچنان فتوای مقام معظم رهبری را حفظ می‌کنیم و جلو می‌رویم.» اما این نفی را با قیدی همراه کرد: «باید ببینیم حوادث در آینده چه‌طور می‌شود، ولی فعلا ما بنایی بر رفتن به سوی بمب اتم نداریم.»

یک سال بعد، در ۱۸ خرداد ۱۴۰۵، لحن او درباره غنی‌سازی -نه سلاح هسته‌ای بلکه صنعت هسته‌ای به‌طور کلی- قاطع‌تر شد: «ما از غنی‌سازی کوتاه نمی‌آییم و این حق ما در چارچوب حقوق بین‌الملل است... در مورد مواد غنی‌سازی شده، خودمان تصمیم می‌گیریم و هیچ فشاری را نمی‌پذیریم.»

او اما در این مدت، آمریکا را به تغییر برنامه هسته‌ای نیز تهدید کرده است. وی در اردیبهشت ماه در عین حال که می‌گفت: «در صورت تعرض به تنگه هرمز و ورود به خلیج فارس، محاصره دریایی را خواهیم شکست و پاسخی سخت، دردناک و کم‌نظیر به آمریکا خواهیم داد»، گفت در صورت تداوم تهدیدات «ممکن است ما از «ان پی تی» خارج شویم. می‌دونید این تهدید یعنی چی؟ که اگر ما از ان پی تی خارج شدیم چه بلایی سر شما می‌آید؟ پس این راه را برگردید و به انتحار و خودکشی دست نزنید.

او برای آرام کردن تندروهای داخلی که بر طبق انتقام می‌کوبند، تاکید کرده است که تهران دو «پرونده» غیرقابل مذاکره دارد: «نخست، پرونده مطالبات حقوقی و دریافت کامل خسارت‌های وارده... و دوم، پرونده قطعی انتقام خون رهبر شهید انقلاب.» شهادت رهبر را «عبور از بزرگ‌ترین خط قرمز کشور» خواند و افزود مسئله انتقام «فراتر از یک رویکرد اعتقادی، یک ضرورت عقلانی، حقوقی و راهبردی... برای بیمه کردن امنیت آینده کشور» است. رضایی در تلاش است تا نشان دهد که ساختار جمهوری اسلامی محکم است و این‌گونه طرفداران نظام را نیز به آینده امیدوار کند.

مواضع تندتر مقامات جمهوری اسلامی و دولت آمریکا علیه همدیگر

حملات تازه به کشتی‌ها در دریای عمان و باب‌المندب، در کنار مواضع تندتر مقامات جمهوری اسلامی و دولت آمریکا درباره تنگه هرمز، بار دیگر چشم‌انداز پایان درگیری در منطقه را با ابهام روبه‌رو کرده است.

آمریکا می‌گوید محاصره دریایی ایران، همچنان برقرار است و مقامات ایران نیز تاکید دارند که این آبراه تا پذیرش شروط تهران باز نخواهد شد. شامگاه سه‌شنبه ۲۰ مرداد، آمریکا و حوثی‌های یمن، که تحت حمایت جمهوری اسلامی ایران هستند، از دو حمله جداگانه به کشتی‌ها خبر دادند. این حملات در دو مسیر راهبردی کشتیرانی، یعنی دریای عمان در نزدیکی تنگه هرمز و باب‌المندب در ورودی دریای سرخ، رخ داد. در جنوب دریای سرخ، وزارت حمل و نقل یمن اعلام کرد چهار خدمه یک کشتی باری کوچک روز سه‌شنبه در تنگه باب‌المندب، در حمله حوثی‌ها کشته شدند. گارد ساحلی یمن نیز گفت دو امدادگر یمنی وابسته به یک گروه نظامی مخالف حوثی‌ها در این حادثه جان باختند.

کشته‌شدن خدمه کشتی مصری «تهامه» نخستین تلفات انسانی در بخش کشتیرانی بر اثر حملات حوثی‌ها از زمان آغاز جنگ ایران به شمار می‌رود. خبرگزاری سبأ، تحت کنترل حوثی‌ها، نیز گزارش داد این گروه یک کشتی سعودی حامل تجهیزات نظامی را در تنگه باب‌المندب هدف قرار داده است. سه‌شنبه شب، فرماندهی مرکزی آمریکا، سنتکام، هم اعلام کرد یک بالگرد نیروی دریایی ایالات متحده با شلیک دو موشک هلفایر، سامانه هدایت یک کشتی باری با پرچم پاناما را از کار انداخته است. به گفته سنتکام، این کشتی هشدارهای مکرر برای توقف نقض محاصره دریایی بندر ایران را نادیده گرفته بود. منابع دریایی گفتند کشتی در نزدیکی پاکستان و در مسیر ورود به دریای عمان هدف قرار گرفت.

سنتکام هم چنین اعلام کرد که تا روز ۲۰ مرداد، نیروهای آمریکایی ۵۵ کشتی تجاری را که در تلاش برای عبور از محاصره دریایی ایران بودند، تغییر مسیر داده‌اند، سه کشتی را از کار انداخته و وارد دو کشتی دیگر شده‌اند.

در حادثه‌ای جداگانه، کشتی کانینری «ولا نوا» (Vela Nova) با پرچم پاناما هنگام حرکت به سمت خلیج عمان، در نزدیکی سواحل پاکستان هدف یک موشک قرار گرفت. منابع امنیت دریایی این موضوع را به خبرگزاری رویترز گفته‌اند. بر اساس ارزیابی اولیه گروه مدیریت ریسک دریایی بریتانیایی Vanguard، کشتی حدود ۷۱ مایل دریایی، معادل حدود ۱۳۱ کیلومتر، با ساحل پاکستان فاصله داشته است.

روزنامه «وال استریت ژورنال» گزارش داده است که این کشتی پس از تلاش برای دور زدن محاصره آمریکا علیه کشتیرانی مرتبط با ایران در منطقه، هدف یک بالگرد آمریکایی قرار گرفته و بالگرد یک موشک «هل فایر» به سکان کشتی شلیک کرده است. فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) در این باره تاکنون اظهارنظری نکرده است.

حمله به ولا نوا، دوازدهمین کشتی است که از زمان اعلام محاصره آمریکا در ماه آوریل گذشته هدف نیروهای آمریکایی قرار گرفته است. این همچنین سومین مورد از زمان برقراری دوباره محاصره در ۲۳ تیر/۱۴ ژوئیه خواهد بود.

این کشتی به تازگی در بندر بمبئی هند و بندر کلانگ مالزی توقف داشته است؛ مناطقی که به گفته چارلی براون، مشاور ارشد گروه آمریکایی «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» (UANI)، کشتی‌های مرتبط با ایران نیز در آن‌ها مشاهده شده‌اند. براون گفت توقف اخیر ولا نوا در بمبئی و ارتباط آن با این کشتی‌ها باعث شده کشتیرانی مرتبط با ایران بیش از پیش زیر ذره‌بین قرار گیرد.

در تنگه هرمز وضعیت بسیار شدیدتر است. روز دوشنبه تنها شش کشتی از این آبراه عبور کردند؛ در حالی که میانگین تردد در ۱۰ روز گذشته حدود ۱۱ کشتی بوده است. پیش از آغاز جنگ، معمولاً روزانه حدود ۱۳۰ تا ۱۴۰ کشتی از تنگه هرمز عبور می‌کردند.

ایالات متحده می‌گوید محاصره دریایی ایران همچنان «به‌طور کامل» برقرار است. این تحولات بخشی از رویارویی گسترده‌تر ایران و آمریکا بر سر کنترل تنگه هرمز است.

محسن رضایی، دبیر جدید شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، در نخستین موضع‌گیری پس از انتصاب خود گفت ایران تا زمانی که آمریکا جنگ را پایان ندهد و شروط تهران را نپذیرد، تنگه هرمز را باز نخواهد کرد.

رضایی در دیدار با سفیر چین در تهران گفت تا زمانی که آمریکا «رفتار خود را تغییر ندهد و شروط ایران را نپذیرد»، ایران اقدامی برای باز کردن تنگه هرمز نخواهد کرد. او پایان جنگ و آزاد شدن دارایی‌های مسدودشده ایران را از جمله شروط تهران عنوان کرد. رضایی همچنین درباره مذاکرات ایران و عمان بر سر عبور و مرور در تنگه هرمز گفت اگر دو کشور در این زمینه به توافق برسند، چنین توافقی «موضوعی جدا از انسداد تنگه هرمز» خواهد بود.

این موضع ایران در تضاد مستقیم با ادعای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، است که روز دوشنبه گفت ایالات متحده کل تنگه هرمز را «مین‌روبی» کرده و کنترل کامل آن را در اختیار دارد. ترامپ روز سه‌شنبه نیز پس از سفر به اوهایو به خبرنگاران گفت: «ما کاملاً تنگه هرمز را کنترل می‌کنیم... هیچ‌کس دیگر، فقط ما.»

تازه‌ترین رویداد در این باره، اظهارات وزیر دفاع پاکستان است که روز سه‌شنبه گفت ایران و ایالات متحده به «شکلی از توافق» نزدیک شده‌اند. خواجه محمد آصف تأکید کرد که «نشانه‌های مشاهده‌شده طی دو سه روز اخیر حاکی از نزدیک‌شدن به نوعی توافق است.»

هم‌زمان محسن نقوی، وزیر کشور پاکستان، «در چارچوب تعاملات دو جانبه و میزبانی اسکندر مؤمنی، وزیر کشور» عصر سه‌شنبه وارد تهران شد و با مقامات ایرانی دیدار کرد.

در همین حال، آمارهای اعلام‌شده از سوی دولت آمریکا نشان می‌دهد عبور نفت از تنگه هرمز، هرچند کمتر از سطح معمول پیش از جنگ، همچنان به میزان چشم‌گیری ادامه دارد.

کریس رایت، وزیر انرژی آمریکا، روز سه‌شنبه اعلام کرد میانگین هفت‌روزه انتقال نفت از تنگه هرمز به حدود ۹ میلیون بشکه در روز رسیده است. وزیر انرژی آمریکا افزود با احتساب روزانه پنج تا هفت میلیون بشکه نفت دیگری که از طریق خطوط لوله و تأسیسات صادراتی ارتقا یافته از منطقه خارج می‌شود، مجموع جریان نفت به حدود ۱۵ میلیون بشکه در روز رسیده است.

به گفته او، تنها در روز یکشنبه بیش از ۲۰ میلیون بشکه نفت از منطقه خلیج فارس خارج شد که از میانگین پیش از آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران نیز بیشتر بوده است.

تنگه هرمز پیش از آغاز جنگ مسیر عبور حدود یک‌پنجم نفت و گاز طبیعی مایع جهان بود و اختلال در کشتیرانی در این آبراه از عوامل اصلی نوسان شدید بازار جهانی انرژی در ماه‌های اخیر بوده است.

در چنین شرایطی، لحن سیاسی و نظامی دو طرف نیز طی روزهای اخیر تندتر شده است. دونالد ترامپ در مصاحبه‌ای که روز سه‌شنبه ۲۰ مرداد منتشر شد، گفت گزینه‌های آمریکا درباره ایران این است که تهران را به حال خود بگذارد تا از نظر اقتصادی شکست بخورد یا «خیلی، خیلی سخت به ایران ضربه می‌زنیم». هم‌زمان، برخی مقام‌های سپاه پاسداران از لزوم افزایش توانایی برای انجام عملیات در خارج از مرزهای ایران سخن گفته‌اند. محمدرضا نقدی، مشاور عالی فرمانده کل سپاه، روز سه‌شنبه در تلویزیون ایران گفت: «هر موقع اقتضا کند و فرمان صادر شود، باید بتوانیم عملیات را به خاک دشمن، به سرزمین‌های دشمن بکشیم و دور از سرزمین خودمان بتوانیم عملیات انجام دهیم.»

او افزود: «این‌ها ویژگی‌های دکترین ته‌اجمی است که باید احراز شود؛ یعنی الان سپاه مکلف شده که این آمادگی را کسب کند، این توانمندی را در خودش ایجاد کند که بتواند این کار را در موقع مقتضی انجام دهد.»

نتیجه‌گیری

آن‌چه که گفته شد هنوز هیچ روزنه‌ای در رابطه با گشایش تنگه هرمز و پایان داده به محاصره دریایی دیده نمی‌شود. مذاکرات مسقیم بین ایران و آمریکا نه تنها معلق شده، بلکه لحن مقامات دو کشور علیه همدیگر تندتر هم شده است.

به این ترتیب، ایران امروز در نقطه‌ای قرار گرفته است که دیگر نمی‌توان مشکلات کشور را به یک عامل منفرد نسبت داد. مسئله فقط تحریم نیست. فقط جنگ نیست. فقط تورم نیست. فقط فساد نیست. و فقط اختلافات سیاسی نیست. آن‌چه امروز ایران را با بحران روبه‌رو کرده، هم‌زمانی و درهم‌تنیدگی همه این عوامل است.

جمهوری اسلامی از یک طرف با فشار خارجی و وضعیت فرسایشی «نه جنگ و نه صلح» مواجه است؛ از طرف دیگر در داخل با اختلاف بر سر چگونگی خروج از این وضعیت روبه‌روست. هم‌زمان، اقتصاد و شهروندان ایران با تورم بسیار بالا و افزایش شدید قیمت مواد غذایی دست‌وپنجه نرم می‌کند. اما مهم‌تر از همه، بحران از سطح دولت و حکومت عبور کرده و وارد زندگی روزمره مردم شده است. وقتی قیمت غذا، مسکن، درمان و انرژی سریع‌تر از درآمد مردم افزایش پیدا می‌کند، جامعه فقط فقیرتر نمی‌شود؛ بلکه اعتمادش به آینده را نیز از دست می‌دهد. از همین جاست که بحران اقتصادی به بحران اجتماعی و سپس به بحران سیاسی تبدیل می‌شود. بنابراین، مسئله اصلی جمهوری اسلامی در شرایط کنونی فقط این نیست که چگونه در برابر فشار خارجی مقاومت کند. مسئله عمیق‌تر این است که آیا ساختار سیاسی جمهوری اسلامی قادر است هم‌زمان با کاهش تنش خارجی، اصلاحات اقتصادی واقعی، کاهش فساد، افزایش شفافیت و بازسازی اعتماد اجتماعی را پیش ببرد؟

بی‌تردید پاسخ منفی است چرا که وضعیت «نه جنگ و نه صلح» می‌تواند به یک وضعیت دائمی فرسایش تبدیل شود؛ وضعیتی که در آن نه حکومت قادر به حل بحران است و نه جامعه می‌تواند هم‌چنان هزینه آن را تحمل کند.

در چنین شرایطی، آینده ایران بیش از آن که فقط به نتیجه یک مذاکره خارجی وابسته باشد، به رابطه میان قدرت سیاسی، اقتصاد و جامعه بستگی خواهد داشت. و شاید مهم‌ترین واقعیت این باشد که جامعه ایران بیش از هر چیز به پایان وضعیت دائمی اضطراب، فقر و بی‌ثباتی نیاز دارد؛ نه فقط پایان یک جنگ یا آغاز یک مذاکره. هم‌زمان جمهوری اسلامی ایران، هنوز ابزارهای مهمی برای بقا دارد: دستگاه امنیتی، سپاه، منابع حداقلی نفتی و ارزی، شبکه‌های اقتصادی وابسته به حکومت و تجربه طولانی در مدیریت بحران و تحریم. بنابراین، نمی‌توان احتمال داد که صرفاً بر اثر گرانی و تورم، حکومت در ماه‌های آینده به‌طور ناگهانی سقوط کند.

در این میان تشکلهای کارگری، شامل کارگران زن و مرد صنایع بزرگ و کوچک، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، بیکاران، کارکنان بخش حمل و نقل و سایر کارگران هستند، منسجم‌ترین نیروی مخالف در داخل کشور هستند. آن‌ها به‌طور منظم درباره تورم، نابرابری، فساد، خصوصی‌سازی و دیگر مشکلات اقتصادی موضع‌گیری می‌کنند. آن‌ها، هم‌چنین مانند بخش بزرگی از جامعه، از جمهوری اسلامی خشمگین هستند. آن‌ها در میان طبقات کارگر و حتی طبقه متوسط ریشه دارند. با این حال، هنوز فعالیت‌هایشان سراسری و سازمان‌یافته نیست. هم‌چنین هماهنگی آن‌ها با جنبش دانشجویان و جوانان، زنان و فعالین سایر جنبش‌ها نیز سازمان‌یافته نیست. در کنار این‌ها، شبکه‌هایی از مردم تحت ستم نیز وجود دارد؛ از جمله کردها، بلوچ‌ها، عرب‌های جنوب کشور، آذربایجانی‌ها، شمالی‌ها، مرکز و ... این گروه‌ها ظرفیت سازماندهی قابل توجهی دارند. با این حال، همکاری میان این بخش‌ها آسان نیست.

شیخ دخالت خارجی در ایران، چه در ذهن و چه در واقعیت، هم‌چنان یکی از عوامل اصلی اختلاف و سوءظن‌ها در میان شهروندان ایران و مخالفان حکومت در خارج کشور است. این سوءظن‌ها بی‌پایه نیستند. قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی، رسماً و علناً و واقعا در سیاست ایران مداخله می‌کنند و برخی گروه‌های مخالف نیز در پی جلب حمایت بیرونی هستند.

در حالی که جمهوری اسلامی به بن‌بست رسیده و در اعماق بحران‌های مختلف و فزاینده در حال غرق شدن است. این حکومت نه قادر است به مطالبات اجتماعی پاسخ دهد و نه توان حل بحران‌های عمیق اقتصادی کشور را دارد. بنابراین، ناگزیر بیش از پیش به ابزار ترس و سرکوب متکی خواهد شد و همین امر احتمال بروز اعتراض‌های تازه را افزایش می‌دهد.

پرسش اصلی دیگر این نیست که آیا ایران با بحران‌های جدید روبه‌رو خواهد شد یا نه؛ پرسش این است که آیا جنبش‌های اجتماعی ایران و رد پیشاپیش همه طبقه کارگر آگاه و متحد، مردم معترض و آزادی‌خواه و هم‌چنین اپوزیسیون آزادی‌خواه و برابری‌طلب، هنگامی که آن بحران‌ها فرا برسند، آیا آماده و هماهنگ خواهد بود یا خیر. به‌نظر من، نهایتاً آینده واقعی ایران در نهایت نه در اتاق‌های حکومت و نه فقط در مذاکرات خارجی، بلکه در رابطه میان حکومت و جامعه تعیین خواهد شد.

چهارشنبه بیست و یکم مرداد ۱۴۰۵-دوازدهم آگوست ۲۰۲۶